

شب، کوچه‌ها و خیابان‌ها و خانه‌های روستا را فراگرفته است. لابه‌لای نور کهرم‌قرق تیره‌های چراغ برق، در خیابانی نسبتاً عریض و آسفالت‌شده به پیش می‌رانیم. در این سمت روستا که راهی فرعی از جادمای است که به شهرستان ززند می‌رسد، از درخت‌ها و باغ‌ها و جوی‌های آب‌روانی که در بیشتر روستاها وجود دارد آثاری نیست. بسیاری از خانه‌هایی که سقف کتیبدی و دیوارها و اتاق‌های خشت‌وگلی داشته‌اند نیز جای خود را به خانه‌های جدید داده‌اند. فردی که اهل روستاست و ما را همراهی می‌کند می‌گوید که در پایین‌دست روستازمین‌های کشاورزی و گننمزارهای وسیع و مزارع گل‌رنگ و باغ‌های انار و پسته داریم. ما اما برای طبیعت‌گردی به «ده‌یار» نیامده‌ایم. پس مسیر را به سمت مسجد جودالامه ادامه می‌دهیم تا در رویدادی شرکت کنیم که با خواست و تلاش اهالی روستا ۱۱ سال پیش وقفه برگزار شده است، سوگواره تعزیه. خردنامه رویه با این گذاشته و هنوز از ماه محرم خبری نیست اما حدود ۱۰ روز می‌شود که ساکنان ده‌یار شب وروز در جنب‌وجوش هستند تا از تعزیه‌خوانان کشوری و استانی و از جمعیتی که برای دیدن مجالس تعزیه به روستایشان می‌آیند پذیرایی و میزبانی کنند.

تعزیه کاروانی، تعزیه سکوبی

چراغ سوگواره تعزیه ده‌یار از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ خورشیدی و در پی ایده‌ای روشن‌شده که «ثارالله انکوئی»، یکی از اهالی روستا ارائه کرد. بنا به گفته او قدمت تعزیه ده‌یار به حدود ۲۰۰ سال قبل برمی‌گردد. در گذشته تعزیه در این روستا به‌صورت کاروانی اجرا می‌شد، به این صورت که تعزیه‌خوانان در کوچه‌های تنگ و پراویک روستا حرکت می‌کردند و در خانه یکی از اهالی، مثلاً مجلس شهادت حضرت علی(ع) و در خانه بعدی مجلس شهادت حضرت قاسم(ع) برگزار می‌شد و همین‌طور ادامه می‌یافت تا این که در بالای روستا، مجلس شهادت امام حسین(ع) برگزار و تعزیه ختم می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اما تعزیه کاروانی، جای خود را به تعزیه سکوبی می‌دهد و مردم در محل نقطه جمع می‌شوند و به تماشای تعزیه می‌پردازند.

زنده‌یاد حسین انکوئی، از تعزیه‌خوانان ده‌یار، نقش مهمی در سکوبی شدن تعزیه در روستا داشت. بسیاری از اهالی ده‌یار و تعزیه‌خوانان این منطقه از ایشان به نیکی یاد می‌کنند و به خاطر می‌آورند که برای برپایی مجالس تعزیه چقدر مصمم بود تا جایی که یک‌بار برای خرید وسایل تعزیه قالی‌های خانه‌اش را فروخت تا بتوانند مراسم را برگزار کنند. ثارالله انکوئی، تعزیه‌خوانی را از عمویش حسین آموخته است. او که اکنون مخالف‌خوان است، از بچه‌خوانی شروع کرده است و می‌گوید: «آن پسر خودم در گروه تعزیه ده‌یار، بچه‌خوانی می‌کند، یعنی اجرای شبیه مطلقان مسلم، مطلقان زینب و سکنینه‌خوانی و…»

❖ **ثارالله انکوئی، دبیر اجرایی سوگواره ملی تعزیه ده‌یار در استان کرمان: هر شب**

شخصیتی مطرح از تعزیه کشور را در روستا میزبانی می‌کنیم

❖ **محل برگزاری سوگواره یک روستاست و مشکلات زیرساختی زیادی دارد**

او اظهار می‌کند: «دو سه سالی است که دآوری را حذف کرده‌ایم، چون هزینه آن را نمی‌توانیم تأمین کنیم. با وجود این نگاه‌اشتم سوگواره تعطیل‌شود. تصمیم گرفتم از برخی استادان مطرح تعزیه کشور دعوت کنیم در ده‌یار اجرا داشته باشند تا فرصتی فراهم‌شود که تعزیه‌خوانان این استادان را ببینند و از آن‌ها بیاموزند. شکل جدید سوگواره، جنبه آموزشی گرفته و از این نظر اتفاق خوبی است. با برگزاری سوگواره به این صورت، توانسته‌ایم هر شب شخصیتی مطرح از تعزیه کشور را در روستا میزبانی کنیم. جمعیت زیادی هم می‌آیند و امسال هرشب تا دو هزار نفر تماشاگر را میزبانی کردیم. برخی از تماشاگران برای دیدن شخصیت‌های ملی، از استان‌های دیگر به ده‌یار می‌آیند تا اجرای آن‌ها را ببینند.

در سمت دیگر سکو، صحنه‌آرایی عاشورایی انجام گرفته و محلی برای استقرار گروه موسیقی تدارک دیده شده است. مراسم هنوز شروع نشده اما تماشاگران یکی پس از دیگری وارد می‌شوند و اطراف سکو حلقه می‌زنند. نسیم ملایمی برگ‌های درختان نخل این سو و آن سو را می‌رقصاند. این نخل‌ها را بچه‌های روستا از «آندوه‌چرد» در نزدیکی بیابان لوت به‌روستای ده‌یار آوردند تا مخاطب با دیدن آن، تجسم روشن‌تری از فضای رخداد وقایع سال ۶۱ هجری در کربلا داشته باشد.

مسیر طولانی سوگواره

انکوئی از زمانی که سوگواره تعزیه ده‌یار ملی شد، دبیر اجرایی این رویداد است. او در گفتگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات درباره پیشینه این سوگواره توضیحاتی می‌دهد: «قبل از این رویداد، گروه تعزیه ما در سوگواره‌های گوناگونی شرکت می‌کرد. در مرکز استان کرمان هم سوگواره‌ای برگزار می‌شد که ما نیز در آن حضور داشتیم اما می‌دیدیم جمعیت زیادی استقبال نمی‌کنند. تصمیم گرفتم سو‌گواره را در خود روستا برگزار کنیم. سال ۱۳۹۲ بود که نخستین دوره از سوگواره ده‌یار به‌صورت استانی و در پنج شب برگزار شد. شش دوره به همین ترتیب برنامه را پیش بردیم تا این که یک‌بار از آقای علیرضا رزم‌حسینی (استادار وقت کرمان در دولت روحانی) دعوت کردم تا در سوگواره حضور یابند. وقتی جزئیات این رویداد را به ایشان گفتم تا من برسیدند که چرا به‌صورت ملی برگزار نمی‌شود؟ از مشکلات و سختی‌هایی که برگزاری مراسم به‌صورت ملی آن هم در روستا داشت گفتم. درباره این رویداد با آقای حمید ذکاءاسدی، معاون سیاسی و امنیتی ایشان هم صحبت کردیم. با حمایت‌های استانداری آن زمان، توانستیم سوگواره را برای اولین‌بار در سال ۱۳۹۸ به‌صورت ملی برگزار کنیم.»

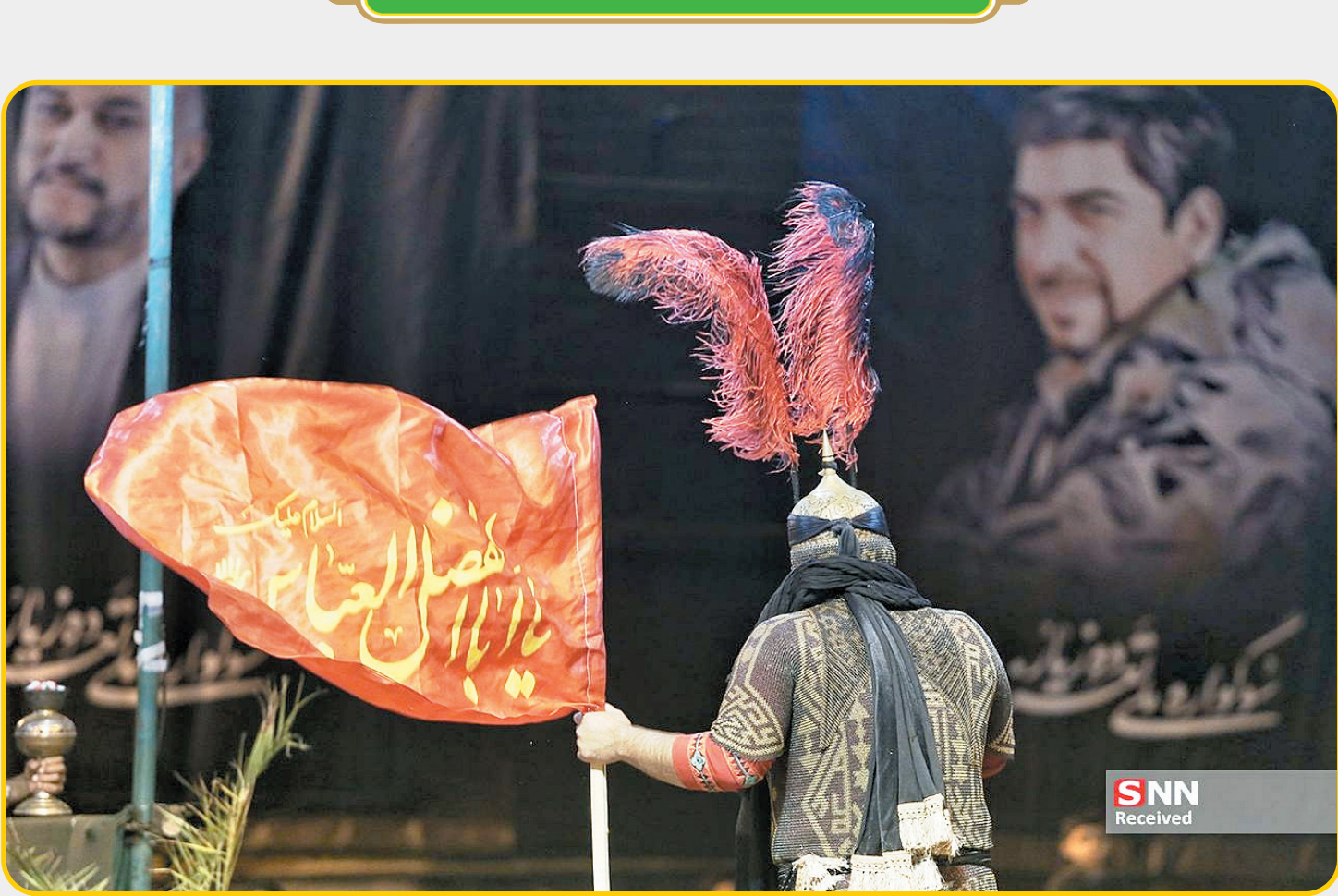
ملی شدن سوگواره

برگزاری سوگواره به‌صورت ملی، اتفاق تازه‌ای در روستای ده‌یار بود. حالا روستا باید علاوه بر پیشکسوتان و بزرگان تعزیه ایران و گروه‌های غیر کرمانی، جمعیت تماشاگر بیشتری را هم میزبانی می‌کرد. در چند سال نخست برگزاری سوگواره ملی ده‌یار، داورانی از افراد صاحب‌نظر و تعزیه‌خوانان برجسته کشور دعوت می‌شدند. گروه‌ها نیز در پی فراخوانی که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان منتشر می‌کرد از استان‌های گوناگون به ده‌یار می‌آمدند. انکوئی می‌گوید: «روال این‌طور بود که گروه‌ها اجرا می‌کردند و داوران کار آن‌ها را می‌دیدند و ارزیابی می‌کردند و در نهایت، گروه‌های برگزیده تجلیل می‌شدند اما نتوانستیم این شیوه را ادامه بدهیم.»

دوشنبه یکم مرداد ۱۴۰۲ – سال نودونهم – شماره ۲۸۷۲۰

یازدهمین سوگواره ملی روستای ده‌یار در کرمان

قلب پینده تعزیه



بعد از مراسم که با جوهری گفتگو می‌کردم متوجه این ویژگی اتفاقات جالب دیگری هم می‌افتد. مثلاً امسال میهمانی از اردکان داشتیم که اسبی دارد که در تعزیه حضرت علی‌اکبر(ع) وقت شهادت حضرت، روی زمین می‌خوابد و بازیگر را سوار می‌کند. این رویداد فرصتی شده تا هم تعزیه‌خوانان با هم دیداری تازه کنند و هم از تجربیات و دانش و امکانات یکدیگر باخبر شوند. امسال چند مهمان خانم هم از تهران داشتیم که کارگردان و اهل سینما هستند. آن‌ها در حال ساخت فیلمی از شخصیت «حر» هستند و آمدند تا استاد عباس جوهری را ملاقات کنند و از اجراها فیلم بگیرند. در گذشته، گروه‌ها در پی فراخوان اداره ارشاد در سوگواره شرکت می‌کردند و گاهی هم گروه‌هایی می‌آمدند که اجرای آن‌ها کیفیت پایینی داشت. با برگزاری تعزیه به شکل جدید اما دست‌ما بازتر شده، چون حالا بهترین‌های تعزیه ایران را می‌شناسیم و از آن‌ها دعوت می‌کنیم. این را هم بگیریم که مردم روستای ده‌یار علاوه بر این که تعزیه‌خوان هستند، تعزیه‌دان هم شده‌اند و حتی شعرها را کاملاً حفظ هستند، بنابراین هرکسی را نمی‌توان اجرای اجرا به‌ده‌یار آورد و کارها باید کیفیت بالایی داشته باشد.

میزبانی روستا

ساعت از ۸ شب گذشته است. نگاهی به اطرافم می‌اندازم. همه صندلی‌ها تقریباً تکمیل شده است. زن‌ها در یک سمت سکو و مردان در سمت دیگر نشسته و چشم‌انتظار شروع مجلس هستند. قرار است استاد عباس جوهری، از تعزیه‌خوانان پیشکسوت و برجسته کشور و فرزندشان علی جوهری به همراه استاد اکبر اعظمی، مجلس تعزیه شهادت حضرت عباس(ع) را اجرا کنند. مجید منووی زاده از نوازندگان برجسته تعزیه نیز برای اجرای موسیقی به ده‌یار آمده است.

در بین دست‌اندرکاران مراسم، نوجوانان و جوانان روستا را می‌بینم که هر یک گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند. نسیم شایانگاهی روستا همچنان برگ‌های نخل‌ها را نوازش می‌کند. نور فضا نه آن قدر زیاد است که بتوان همه چیز را به‌راحتی دید و نه آن قدر کم است که به تاریکی برسد.

همیشه وقتی قرار است رویدادی ملی برگزار شود، کارهای زیادی در محل برگزاری آن رویداد انجام می‌شود. روستای ده‌یار هم باید آماده‌سازی شود اما به‌تنهایی از عهده تأمین هزینه‌های آن بر نمی‌آیم.

فقط سالی ۴۰–۳۰ میلیون تومان، پول کرایه صندلی‌هایی را می‌دهیم که برای تماشاگران آماده می‌کنیم. پارسل پویشی برگزار کردیم و از طریق کمک‌های مردمی ۲۵۰ صندلی خریدیم اما کافی نیست. کار صابرداری و تصویرداری هم خیلی هزینه دارد. بسیاری از هزینه‌ها را خود مردم روستا می‌پردازند. فقط برای میهمانان ویژه سوگواره، پذیرایی شام داریم، آن هم به این صورت است که هر شب، چند نفر از ساکنان روستا اعلام آمادگی می‌کنند که می‌توانند میهمانان را میزبانی کنند و با هزینه خودشان شام را تدارک می‌بینند.»

او تصریح می‌کند: «سوگواره آن‌طور که لازم بوده از سوی دستگاه‌های دولتی حمایت نشده است.»

مارش عزا و آغاز تعزیه

صدای بلندگوها قطع می‌شود. نوازندگان به روی صحنه می‌روند. مارل ورود تعزیه‌خوانان آغاز می‌شود. مهمانی چشم‌ها، گوش‌ها و دل‌هاست. لحظاتی بعد، گروه تعزیه به میدان می‌آید تا مجلس حضرت عباس(ع) را آغاز کنند. استاد عباس جوهری در جلوی صف حرکت می‌کند. او لباسی سبز بر تن و کلاهخودی بر سر دارد. در کنارش، فرزندش، علی جوهری راه می‌رود که شبیه امام حسین(ع) را قرار است اجرا کند. گروه آرام‌آرام پیش می‌روند. نیمی از دایره سکو را دور می‌زنند، با روی پله می‌گذرانند. پیش از بالا رفتن، استاد جوهری با یک دست بر روی سکوزده و به نشانه ادب، بر آن بوسه می‌زند؛ شبیه رخصت گرفتن پهلوانی که وارد کور زورخانه می‌شود. سپس از سکو بالا می‌رود و مجلس آغاز می‌شود.

برخلاف بسیاری از مجالس تعزیه که در ایام محرم برگزار می‌شود، سوگواره تعزیه ده‌یار هرساله نیمه خردادماه برگزار می‌شود. صیبا شنده‌ای را پخش می‌کند بالا می‌رود. تصویرپردازان و عکاسان آماده به‌کار می‌شوند و وقتی جنب‌وجوش‌ها بیشتر می‌شود متوجه می‌شوم که به‌شروع مراسم، زمان زیادی باقی‌نمانده است.

از انکوئی که خبرنگار نیز هست درباره سختی‌ها و مشکلاتی که برای برگزاری این مراسم آن هم در روستایی که حدود ۴۰ کیلومتر تا شهر کرمان فاصله دارد می‌پرسم. او می‌گوید: «به هر حال، محل برگزاری این سوگواره یک روستاست و مشکلات زیرساختی زیادی دارد. راه ورودی و خروجی روستا از لحاظ ایمنی و روشنایی مشکل دارد. در شب‌های برگزاری سوگواره، جمعیت زیادی وارد روستا می‌شوند و هم‌زمان می‌خواهند خارج شوند، به محض خروج، وارد جاده اصلی می‌شوند. این مسیر باید ایمن‌سازی و خط‌کشی شود.

دبیر اجرایی سوگواره درباره چرایی انتخاب این زمان می‌گوید: «سالی که سوگواره را در نیمه خردادماه شروع کردیم شش ماه تا محرم فاصله داشتیم. این تاریخ را انتخاب کردیم تا گروه‌های تعزیه برای اجراهایی که در محرم دارند، فرصت تمرین و برنامه‌ریزی داشته باشند. همه رضایت داشتند و به همین منوال سوگواره را هر ساله در خردادماه برگزار کردیم.»

هنر آیینی پرسابقه

تعزیه یا شبیه‌گردانی برای ما ایرانی‌ها نمایشی آشناست. بسیاری از ما در ایام محرم در محله‌های مختلف و شهرها و روستاها گروه‌هایی را دیده‌ایم که با لباس‌های رزم سبزی یا قرمز بر تن، شمشیر و سپر در دست، کلاهخود بر سر، سوار بر اسب و شتر یا پیاده، به همراه گروهی که سنج و طبل می‌کوبند و نی و ترومپت می‌نوازند، در میان کوچه‌ها یا در طول یک خیابان حرکت می‌کنند. در حین حرکت یا هر از گاهی در مکث‌هایی کوتاه، کلام‌هایی بین شخصیت‌های این نمایش ردوبدل می‌شود. به‌مرور زمان، حرکت این گروه‌ها کمتر و تعزیه‌خوانی به‌عنوان یک مراسم مذهبی جدا از دسته‌روی و سینه‌زنی و زنجیرزنی، در مکان‌های خاصی متمرکز شد. برخی پژوهشگران می‌گویند پیشینه‌نمایشی که امروزه بیشتر با‌عنوان تعزیه آن‌را می‌شناسیم قدمت سه‌هزار ساله دارد و رگه‌هایی از آن‌را می‌توان در سوگواری‌های مربوط به مرگ پهلوانان داستان‌های ملی به‌خصوص مرگ سیاوش مشاهده کرد. به‌استناد منابع تاریخی، رسم تعزیه و کریستن بر شهدای دین از قرن‌های اول و دوم اسلامی در ایران رایج بوده و در طول حکومت‌های گوناگون در ایران، فراز و فرودهایی داشته است.

انکوئی که بیش از ۳۰ سال در گروه‌های تعزیه بوده و اکنون یکی از عوامل اجرایی مؤثر در برگزاری سوگواره ملی تعزیه در ده‌یار است، اعتقاد دارد تعزیه یک هنر کامل است که موسیقی، شعر و نمایش را در

آن می‌بینیم و بسیار هم مخاطب دارد. او اظهار می‌کند: «اگر مسئولان به دنبال ترویج فرهنگ نماز هستند، تعزیه یکی از بهترین ابزارهای هنری برای رسیدن به این هدف است. در تعزیه، وقتی دو‌بچه نقش طفلان مسلم را دارند، در جایی از نمایش، خطاب به حارت می‌گویند قبل از این که ما را شهید کنی اجازه بده دو رکعت نماز بخوانیم. در بسیاری دیگر از مجالس تعزیه نیز نماز خواندن به‌عنوان یک فریضه واجب مورد توجه است. اگر بخواهیم فرهنگ اینار و شهادت را در جامعه رواج بدهیم، باز هم تعزیه به‌عنوان یک امکان مؤثر در اختیار ماست؛ در تعزیه روحیه شهادت‌طلبی از بچه‌خوان‌ها تا حبیبان‌مظاهر که پیرمرد است به همه نشان داده می‌شود. ترویج فرهنگ احترام به والدین نیز از طریق تعزیه امکان‌پذیر است؛ به‌عنوان مثال، تماشاگران تعزیه می‌بینند که حضرت علی(ع) اکبر(ع) چطور به پدر خود احترام می‌گذارد.»

او خاطرنشان می‌کند: «با وجود اهمیت و ارزشی که این هنر دارد، بیشتر اوقات به آن نگاه سطحی می‌شود.»

او با بیان این که تعزیه، اقیانوس هنر و خود، وام‌دهنده است ادامه می‌دهد: «موسیقی ایران، مدیون تعزیه است. استادان بزرگ موسیقی ایران، گمشده‌ها را در موسیقی تعزیه پیدا می‌کنند. در زمان صفویه که علما موسیقی را منع کردند، موسیقی ایران در چارچوب تعزیه قرار گرفت؛ یعنی تعزیه موسیقی را محافظت کرد. حالا برخی گروه‌ها ملودی‌ها و سبک و سیاق‌های درجه‌یک را رها کرده‌اند و مثلاً در تعزیه مسلم «هن مانده‌ام تنهای تنها» را می‌خوانند. این آهنگ را زنده‌یاد بسطامی خوانده و خیلی هم خوب خوانده است اما چرا باید در تعزیه از آن استفاده شود؟ ما ملودی‌های درجه‌یکی در تعزیه ایران داریم که آن‌ها را رها کرده‌اند.»

جوهری با اشاره به دخل و تصرفاتی که در اشعار تعزیه صورت می‌گیرد، می‌گوید: «ما چه اجازه‌ای داریم که در تعزیه دخالت کنیم؟ در تعزیه خلایقیت خوب است ولی خلایقیت باید در چارچوب (اصالت) تعزیه باشد. الان وقتی بخواهند پل خاجو را امرت کنند مگر آن را با لودر خراب می‌کنند؟ نه! بلکه بر اساس چارچوب سنت قدیم، پل را بازسازی می‌کنند.

در همه هنرها و آثار هنری باید این‌گونه عمل کرد.» جوهری می‌افزاید: «هر گروهی را که دآوری کنیم می‌توانم از ابتدا تا انتها مشکلاتی را که دارد نبویسم، منتها تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانان باید انتقادپذیر باشند نه این که تقابل نشان بدهند. خود من هم انتقادات را قبول می‌کنم. امسال که در ده‌یار تعزیه داشتیم، علم حضرت ابوالفضل(ع) در دستم بود، کتفم درد می‌کرد، می‌خواستم از اسب پایین بیایم اما نمی‌توانستم. کسی هم نبود علم و جلوی اسب را بگیرد تا پیاده شوم. بنابراین مجبور شدم علم را رها کنم. با این که عذرم موجه بود باز هم از آن شب اجرا مدام به خودم می‌گویم نباید علم را می‌انداختم؛ در حالی که عذرم موجه بود.»

از این توضیحات جوهری دریافتم که تعزیه‌خوانان در حین اجرای خود تا چه حد باید دقت و ظرافت داشته باشند.

سوگواره موفق

از این پیشکسوت تعزیه درباره سوگواره ده‌یار نیز می‌پرسم. او می‌گوید: «استمرار یازده‌ساله این سوگواره بسیار مهم و ارزشمند است. بازتاب خوبی هم داشته است. این که از کل ایران و از همه تعزیه‌خوانان دعوت و استفاده می‌کنند هم یک نقطه قوت برای این رویداد است.» جوهری می‌افزاید: «امسال تعزیه حضرت ابوالفضل(ع) را در این سوگواره داشتیم. جایگاه زیبایی آماده کرده بودند. چیدمان مجلس هم بسیار زیبا بود. نخل‌هایی که در اطراف صحنه گذاشته بودند در تعزیه ابوالفضل(ع) نمود قشنگی داشت. بسیار از ادب و شخصیت مجلس خوشم آمد. زمان برگزاری هم مناسب و در موفعی بود که همه تعزیه‌خوانان می‌توانستند استفاده کنند. اگر در محرم بود این امکان وجود نداشت.

❖ **عباس جوهری، استاد و پیشکسوت تعزیه ایران: تعزیه ایران از مسیر اصلی خود**

خارج شده است

❖ **تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانان باید انتقادپذیر باشند نه این که تقابل نشان بدهند**

انحراف از مسیر اصالت

یازدهمین دوره از سوگواره ملی ده‌یار که از ۱۲ تا ۲۲ خردادماه برگزار شد، فرصتی فراهم کرد تا با عباس جوهری، از استادان صاحب‌نام و چهره‌های مؤثر و پیشکسوت تعزیه ایران گفتگویی درباره این هنر و البته سوگواره ده‌یار داشته باشیم. او که خودش اهل اصفهان است، جایی در نقد بسیاری از اجراهای حال حاضر تعزیه در ایران از یک ضرب‌المثل اصفهانی کمک گرفته و گفته است: «چراغ خاموش شده اما آسیاب می‌گردد.» از او می‌پرسم: آیا همچنان این دغدغه را دارید و معتقدید تعزیه ایران از مسیر اصلی خود خارج شده است؟ جوهری پاسخ می‌دهد: «بله از مسیر خارج شده است.»